



جناب قضاوتبوه سخی صمیم  
عضو هیئت رهبری و  
سر دیرر سایت حقوق

## نگارشی از سخی صمیم

از اثر اخیرم بنام (ناگفته های از قضاء) مدد گرفتم.

### بایسته های عدالت قضائی و تأثیر آن بر امنیت جامعه و عدالت اجتماعی

واقعیتی که من به آن ایمان دارم: امنیت و حفاظت جامعه و افراد آن، منوط به حاکمیت قانون و نظام مضبوط حقوقی و بالاخره عدالت اجتماعی بوده می تواند که بدون گسترش عدالت قضائی هیچگاهی نمیتواند وجود کامل خارجی پیدا کند و همچنان تطبیق سالم احکام قانون و حاکمیت آن مستقیماً در امنیت و سلامت جامعه سهیم و زیدخل است ولی توجه داشته باشیم که موجودیت این همه خواسته های رؤیائی و تأمین عدالت بدون موجودیت استقلال کامل قضائی از امکان بعید است.

ببینید مرام من در رابطه به جامعه ای که سرنوشت مردم آنرا نظامهای های برسر اقتدار به گونه های مختلف و یا خود افراد جامعه به روال سنت بشری از طریق نماینده های خویش با ایجاد قوانین کتبی تعیین می کنند بایست چنین اسنادی دایر بر تبارز اراده آنها و وسیله قوانین مدنی و کیفری تسجیل و به معرض اجرا گذاشته شود و چنین اهداف و مرام صرف از طریق نظام حقوقی می مضبوط و قوانین مدون و مسجل بویژه قانون اساسی کارآ (مادر قانون) که مظهر اراده مردم و هسته مرکزی الهام سایر قوانین باشد می تواند اثبات مدعا گردد - زیرا محتوای احکام قوانین متذکره و نظام حقوقی در حقیقت متضمن اراده و نشانگر اندیشه مکتوم نظام و خواست و اراده مردم می باشد که تطبیق و رعایت احکام آن چگونگی نیت و مرام آنها را به اثبات رسانیده مایه و جوهر اصلی قوانین که مظهر اراده آنها شمرده میشود هویدا و آشکار میشود که اسناد مسجل حاوی عنصر عدالت که بکارگیری و تطبیق آن مسبب منافع، رفاه و آسایش مردم است درین قوانین جای دارد مگر این عنصر مقدس (عدالت) در دل این اسناد با انگیزه راستین برای رعایت حق و حقیقت و زدودن ظلم و بیداد جایی یافته باشد - بایست با نیت پاک در پیاده کردن مرام انعکاس یافته آن بر بنیاد همین قوانین بر مردم تأدیه شود، از یاد نمیبریم که لازمه اصلی توصل به این اهداف همانا تطبیق سالم قوانین نافذ درین راستا

است که ما ایجاد گر آن هستیم در غیر آن هر قانون و مصادیر قانونی حکم کاغذ پاره نابکاری را خواهد داشت.

اکنون ما به جای و موقفی قرار داریم که باید بدانیم برای تطبیق و اجرای سالم قوانین وضعی چه شرایط اساسی را میتوانیم ملاک عمل قرار دهیم؟

رکن اساسی در تطبیق راستین قوانین در راه نیل به اهداف یادشده بالا فقط قوه مستقل و آزاد قضا در بدنه یک سیستم دموکراسی راستین و تفکیک قوای ثلاثه با شناخت صلاحیت های جداگانه آنها به سهم هر کدام میسر است.

اگر ما به همین اصل مؤمن هستیم باید بسیار عاملانه و با خرد کامل در راه ایجاد یک سیستم قضائی کارآ با صداقت کامل به حقانیت مرام خویش موانع و علل عدم تطبیق سالم قوانین را از سر راه محاکم و قضاء دور ساخته و هر آنچه در راه تضعیف قضاء و قانون مؤثر باشد مهار سازیم تا بتوانیم اهداف اصلی که گسترش و تأمین عدالت قضائی و پایه داری امنیت است قدم اساسی گذاریم.

همانطوریکه در بالا متذکر شدم مطلب ما دید و یاد و تجارب مؤثری از موجودیت محاکم و تأمین عدالت قضائی از طریق دادگاهها و قضاء و تحول شکلی و معنوی این ارگان بوده است - قضای وطن ما درین راستا تجارب و تاریخ گوناگون دارد. چنانچه به موازات تحول و تغییر در زنده گی بشر، افراد جامعه و متناسب به آن تحول نسبی دادگاهها و قضای کشور و پروسه قانون گذاری بموجب ضرورت اجتماع نیز تحول پذیر گردید که این تحولات در وجود جامعه توأم با کثرت نفوس از دید جرایم و جنایات و اعمال خلاف قانون همراه با دعاوی حقوقی به سنگینی و مشکلات جامعه می افزود و در مجموع این ضرورت ها که به مرور زمان افزونتر می گردید به دادگاهها و محاکمی همگون ضرورت احساس می شد که در تداوم این چالشهای اجتماعی احتیاجات را مرفوع و به داد خواهی مردم رسیدگی گردد به عبارت دیگر محاکم نیز بایست موافق به خواست و تقاضای جامعه تأمین عدالت نماید و در راه تحکیم امنیت جایگاه مؤثر داشته باشد. به این مفهوم نظر به تذکرات بالا ایجاب توسعه و تحول را در رابطه به ظرفیت و پذیرش قضایا و دعاوی، کمیت و کیفیت فیصله ها و احکام صادره آنها در تطابق به قوانین نافذ کشور می نمود. این ضرورت ها به مرور زمان در سطح کشور با در نظر داشت منافع جامعه و مردم نیز شدیداً محسوس و روز افزون بود که بایست پاسخ آن داده می شد.

همین احتیاج محسوس زمان ایجاد گر محاکم مختلف در رابطه به نوعیت قضایا و دعاوی حقوقی گردید و این تحول در سطح قضاء را میتوان درج اسناد تدوین شده در هر دوره که به نوعی از انواع رؤیایی از ایجاد نظام قانونی و حقوقی جامعه بوده اند مشاهده کرد - قواعد مندرج در قوانین اساسی زمان - و قوانین تشکیل و صلاحیت قضائی، گد جزاء و گد مدنی در زمره مبرمترین این پروسه با ادوار مختلف خوانده میشود و همین اسناد معتبر با موجودیت و تناسب حرمتیکه داشتند صادقانه منحصراً یک سند مسجل مثبت این ادعا است.

پس نتیجه شرح و بسطی را که گفته آمدیم ما را به این نتیجه می رساند که ایجاد قوانین و حاکمیت آن فقط بشرط صادق بودن نظام سیاسی مسلط و قدرت حاکم - بر مزایای آن مؤمن باشند و بر مردم خود باور داشته و رفاه جامعه هدف قرار گیرد و این اسناد معتبر ملی و بین المللی را که در حقیقت مالک و صاحب حقیقی آن ملت و مردم و جغرافیای سرزمین همان مردم و از تراویده اراده آنها تبارز یافته است معتبر شمارند و قوانین را ابزار قرار نداده و یا بطور مطلق نابود و یا از استمرارش جلو گیری ننمایند - پس تسوید - تسجیل و تنفیذ قوانین اهدافی دارد که برای برآورده شدن آن حاکمیت خود را می طلبد تا( امنیت ، رفاه مردم و عدالت اجتماعی) را با همه کوائف آن که در رأس و صدر آن صداقت قرار داشته باشد بوجود آورد و همان مرض لا علاج را که مُزمن ترین مرض و درد ماست مداوا کند و آنگاه امنیت با حاکمیت قانون بی شبهه پیدا گردد. با حرمت سخی صمیم.